

به مناسبت اول ماه مه

امان کفا - مسئول تشکیلات خارج کشور حزب - صفحه ۲

آتش بس امریکا و ایران و اعتراض

«مالباختگان»

خالد حاج محمدی

جنگ تحمیلی آمریکا-اسرائیل به مردم ایران و منطقه بعد از گذشت چهل روز و عدم رسیدن به اهداف جنگ، دولت ترامپ را ناچار کرد اعلام آتش بس کند. هنوز نه سرنوشت جنگ و نه آتش بس و مذاکرات علنی و پشت پرده و نتایج و آینده آن بر کسی معلوم نیست. برای دولت ترامپ که به امید جنگی چند روزه و برق آسا و تسلیم فوری جمهوری اسلامی و پیروزی خود، وارد این جنگ شد، اکنون پایان آبرومند جنگ به بزرگترین مشکل تبدیل شده است. ... صفحه ۲

ترمز رها شده تان را، ما می کشیم!

حزب حکمتیست (خط رسمی) - صفحه ۲

فراتر از بقا؛ زنان، معماران پایداری در

دل جنگ - شهلا رضایی

برگ زرین تازه ای در پرونده افتخارات

جنگی خانه کارگر

مصطفی اسدیپور

ایلنا، خبرگزاری کار ایران در جنگ و در مواجهه طبقات در ایران به یک موضع مضحک و خطرناک خزید. ایلنا به یک حسینی عزاداری قربانیان خرابی و تلفات و لطمات جنگ مشخصا برای بخش کارگری جامعه تبدیل شده است. صرف انتشار جزئیات هر چه بیشتر از رنج و درد قربانیان آنهم در جنگ تمام عیار، و آن هم در مسابقه کلاشی و دروغ و قساوت و کشتار دولتهای درگیر نه چیزی از دلایل جنگ، نه چیزی از شرایط پایان گرفتن احتمالی جنگ و نه بخصوص چیزی از کاهش و التیام لطمات بخش کارگری در جامعه را بدست میدهد. بخش کارگری جامعه از جهاتی شاید بیشتر از دیگر نقاط هدف حملات قرار گرفته است، شاید بنا به موضوع تولید در صنایع نفتی و شیمیایی خطرات جانی بیشتری را به جان خریده است. از طرف دیگر جنگ با تعطیلی امور تولیدی موج بزرگی از بیکاری و بلا تکلیفی معیشت میلیونها خانواده کارگری را با معضل و چه بسا با بن بست روبرو ساخته است. ... صفحه ۵

در حمایت از کارگران اعتصابی

معدن در ترکیه

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

کارگران معدن ترکیه تاریخی درخشان از اعتراض متحد به استثمار و بردگی و شرایطی کاری خود دارند. معدنچیان شرکت «دوروک» در ادامه اعتراضات و تجمعات خود روز ۱۳ آوریل از «اسکی شهیر» به طرف آنکارا مسیری به طول ۲۰۰ کیلومتر را راهپیمایی کردند و در ۲۰ آوریل در مقابل وزارت انرژی و منابع طبیعی آنکارا تحصن و اعتصاب غذا کردند. پلیس ترکیه ابتدا با گاز فلفل به تجمع کارگران حمله کرد اما موفق به شکستن تجمع آنها نشد. طبق گزارش اتحادیه مستیقل کارگران معدن، روز ۲۱ آوریل پلیس ترکیه به کارگران که در اعتصاب غذا بودند حمله کرد و ۱۱۰ نفر را در مقابل وزارتخانه بازداشت کرد. سرانجام با اعتراض کارگران و از ترس گسترش اعتراضات کارگری، پلیس مجبور شد بعد از ۱۲ ساعت کارگران بازداشت شده را آزاد کند. بعد از آزادی کارگران بازداشتی، معدنچیان به تجمع و اعتراض خود در پارک «کورتولوش» آنکارا ادامه دارند.

مطالبات معدنچیان از جمعه پرداخت حقوق معوقه، بازگشت به کار کارگران اخراجی، پایان مرخصی های اجباری و بدون حقوق و به علاوه پرداخت حقوق اخراجی ها ... است. کارگران اعتصابی از اینکه دولت ترکیه با خصوصی سازی و سپردن سرنوشت کارگران با قراردادهای مختلف به هلدینگهای متفاوت، زندگی آنها را در خدمت کارفرمایان به تباهی کشیده است، اعتراض دارند. کارفرمایان نه تنها دستمزدها را سر وقت پرداخت نمیکنند، بلکه و به علاوه به میل خود قوانین کار و شرایط کاری را برای سود بیشتر تغییر داده و به علاوه در چند سال اخیر بخش زیادی از کارگران را اخراج کرده اند.

اتحادیه مستقل معدنچیان اعلام کرده تا رسیدن به مطالبات خود به اعتراضات ادامه میدهند. هنوز هیچ خبری از توافق نهایی یا پایان رسمی اعتراض نیست و معدنچیان می گویند تا پیروزی آنجا می مانند. نگرانی از وضعیت سلامتی معدنچیان به دلیل طولانی شدن اعتصاب غذا افزایش یافته و به علاوه در بعضی مراکز کارگری و شهرهای ترکیه کارگران و مردم از جمله در شهری مثل «زونگولداک» دست به تجمعات حمایتی از کارگران زده اند. ... صفحه ۲

آزادی برابری حکومت کارگری

به مناسبت اول ماه مه

اول ماه مه، روز جهانی کارگر، را به تمامی کارگران در سراسر دنیا تبریک می گویم. روزی که کارگران بار دیگر همبستگی و تجدید پیمان خود علیه نظام کار مزدی را در صفی متحد جشن می گیرند.

امسال در شرایطی به پیشواز اول ماه مه میرویم که رقابت های قطب های جهانی بورژوازی برای کسب موقعیت برتر، هراتب افزایش یافته و جنگ و نابسامانی را در ابعاد بی سابقه ای به مردم دنیا تحمیل کرده اند و تلاش می کنند تا هزینه تامین آن را، از یک سو با افزایش سرسام آور قیمت کالاهای مورد نیاز مردم و از سوی دیگر کاهش امکانات و دستاوردهای تا کنونی طبقه کارگر، بر دوش این طبقه بیاندازند. طبقه کارگر و مردم در ایران، در حال حاضر از قربانیان این چنین جنگ هایی

هستند و زیر بمباران های هوایی نیروهای نظامی آمریکا و اسرائیل قرار گرفته اند. جنگی که در سایه آن جمهوری اسلامی نیز تمام تلاش خود را بکار گرفته تا موقعیت خود را در مقابل دشمن اصلی اش، طبقه کارگر و جنبش آزادیخواهی و برابری طلب جامعه، تقویت کند. این جنگ، جنگ ما نیست و باید فوراً و بدون قید و شرط قطع شود.

در این شرایط جنگی، رساندن هر چه فراگیرتر صدای طبقه کارگر ایران و اعلام همبستگی آن با طبقه کارگر جهانی، در این روز مبرم تر از گذشته است. ما تمامی ایرانیان آزادیخواه را به شرکت در مراسم ها و برنامه هایی که به مناسبت اول ماه مه برگزار می شوند، دعوت می کنیم.

زنده باد همبستگی بین المللی کارگران

امان کفا
تشکیلات خارج از کشور حزب
۱ مه ۲۰۲۶

در حمایت از اعتصاب ...

تحمیل کرده است. مبارزه و اعتراض کارگران معدنچی ترکیه شایسته وسیعترین حمایتها است.

زنده باد اتحاد و همبستگی جهانی طبقه کارگر
زنده باد سوسیالیسم

حزب حکمتیست (خط رسمی)
۸ اردیبهشت ۱۴۰۵ - ۲۸ آوریل ۲۰۲۶

کارگران معادن ترکیه تاریخی درخشان در حمایت از اعتراضات و اعتصابات کارگری و آزادیخواهانه در ترکیه و کشورهای همجوار از جمله حمایت از کارگران و مردم آزادیخواه ایران دارند. مبارزات و اعتصاب و اعتراض کارگران معادن ترکیه، گوشه ای از اعتراض طبقه کارگر در همه کشورها از جمله ایران، به فقر و استثمار، به جنگ و میلیتاریسم و به بیحقوقی و استبدادی است که نظام کاپیتالیسم به وسعت جهان به طبقه کارگر

ترمز رها شده تان را، ما می کشیم!

ناصر اصغری از چهره های شاخص لجن مال کردن نام و اعتبار کمونیسم کارگری، در تلاش برای سرپوش گذاشتن بر مواضع سیاسی جریانی که به آن تعلق دارد و برای پرده پوشی از حمایت بی دریغ و پرشور شان از جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران، ترمز های برخورد سالم به مخالف سیاسی خود را تماماً رها کرده است!

پس از تولیدات مهوع در مورد عدم «صحت» اطلاعات مربوط به کیس تعرض تروریستی به رفیق علی جوادی، از رهبران حزب و سازمانی که ایشان با اعتقادات آنها مخالف است، دست به «ابتکار» جدیدی زده است.

او برای تقویت موضع سیاسی «جنگ طلبانه» و پنهان کردن تعلق سیاسی اش به کمپ راست افراطی، عکسی از رفیق خالد حاج محمدی، دبیر کمیته رهبری حزب حکمتیست (خط رسمی)، منتشر کرده است و با استفاده از «هوش مصنوعی» بدست ایشان «پرچم جمهوری اسلامی» داده است. به این ترتیب برای رفیق خالد حاج محمدی کیس همکاری و همراهی با جمهوری اسلامی مهندسی کرده است تا به این طریق به اعتبار او صدمه بزند! تا به این شکل و پشت به «آزادی عقیده و بیان» به مخالفین سیاسی خود در دو حزب و سازمان تعرض کند!

ما مدتی به این امید که شاید در سازمان ایشان «حزب کمونیست کارگری»، کسی ترمزهای رها شده این عضو رهبری و «سلحشور» و «شمشیرزن» خط مقدم را بکشد، منتظر ماندیم. معلوم شد که امید بیهوده بوده است و انتظار بی حاصل تر! از این رو برای حفظ موازین سالم سیاسی، بخصوص بنام کمونیسم کارگری، خود راساً اقدام کردیم! «آزادی عقیده و بیان» برای طیف وسیعی از راست افراطی و ارتجاع جهانی، که بر کرسی های ریاست آنها ترامپ و نتانیاهو نشسته اند و برای پیروانشان در جنبش های نئوپولیسیسم ایران و سازمان ناصر اصغری، به معنای لگدمال کردن تمام موازین متمدنانه جدل سیاسی است. این را امروز همگان در بسز اصلی سوخت و ساز سیاسی کمپ راست می بینند!

«آزادی عقیده و بیان» برای کمونیست ها، برای کمونیسم کارگری و برای سوسیالیست ها، نه فقط آزادی بیان در مقابل قدرتهای حاکم که حفاظت از دستاوردهای آزاداندیشانه و موازین انسانی و متمدنانه کمونیسم ایران در جدل با مخالف سیاسی است! موازینی که برای کمونیستها خط قرمزها و غیرقابل عبور است.

از این رو، ما برای دفاع از این موازین، و برای «کشیدن ترمز» ناصر اصغری هایی که با دست بردن به کیسه روش و منش رهبرشان، ترامپ، با مخالف خود «تسویه حساب» میکنند، دست به پرونده سازی سیاسی و امنیتی علیه مخالف خود می زنند و فضای جدال سالم سیاسی را مسموم و «زهرآگین» میکنند، کیس رفیق خالد حاج محمدی، را از طریق قوانین بازدارنده میدیای اجتماعی، به جریان انداخته ایم! قوانین کشوری که ناصر اصغری در آن زندگی میکند، هنوز «مصونیت» ها و «چک سفید» هایی که به ترامپ در رفتار سیاسی داده است را برای همگان، و از جمله برای امثال ناصر اصغری ها، صادر نکرده است. قوانین دفاع از «آزادی عقیده و بیان»، هنوز تعرض به حریم شخصی و پرونده سازی سیاسی و امنیتی، تولید «تصویر و عکس دروغین» از اشخاص و ساختن صحنه های دروغین از آنها در حال انجام عملی که مرتکب نشده اند، بخصوص در مورد چهره های شناخته را قابل پیگیری قانونی می داند.

دفاع از فضای سالم سیاسی، دفاع از حرمت شخصیتهای سیاسی، مستقل از دوری و نزدیکی آنان با ما یکی از اولویتهای حزب حکمتیست (خط رسمی) بوده و زیر پا گذاشتن موازین متمدنانه جدل سیاسی و هتک حرمت و پرونده سازی خط قرمز ما است. از اینرو ما علاوه بر افشا نیروها و اشخاصی که با عبور از این خطر قرمز فضای جدل و بحث سیاسی را آلوده میکنند، پیگیری قانونی علیه این افراد را پیش خواهیم گرفت.

حزب حکمتیست (خط رسمی)
۳۰ آوریل ۲۰۲۶

همین حقیقت و نا روشنی هیئت حاکمه آمریکا و نداشتن هیچ برنامه قابل وصول و کم هزینه ای، نگرانی های واقعی در میان مردم ایران و منطقه و حتی جهان، از دست زدن ترامپ و دولتش به ماجراجویی های نظامی بیشتر را از سر استیصال دامن زده است.

واقعیت این است که ناکامی آمریکا-اسرائیل در رسیدن به اهداف اعلام شده خود در دو دوره جنگ ۱۲ و جنگ ۴۰ روزه اخیر و هزینه های سنگین آن برای دولت آمریکا، خصوصاً لطمات این جنگ به اعتبار سیاسی و نظامی او، ورود دوباره به جنگ همه جانبه را سخت کرده است. از طرف دیگر جمهوری اسلامی علیرغم لطمات زیادی از جمله از دست دادن طیفی از مقامات مهم سیاسی و نظامی خود، که خورده است، با مقاومت تا کنونی و ناکامی آمریکا و اسرائیل در نیل به اهداف و به علاوه اهرم فشار تنگه هرمز که به دست گرفته است، خود را در موقعیت بهتری به نسبت قبل از جنگ میداند و حاضر به کوتاه آمدن نیست. لذا دولت ترامپ در موقعیت مناسبی نیست و فعلاً در فکر یافتن راهی برای خروج از بن بست و پایان جنگ به صورتی است که دامنه شکست و هزینه های سیاسی آن برای دولتش حداقل باشد، چیزی که فعلاً در چشم انداز نیست. همین حقایق فعلاً پروسه نه جنگ و نه صلح و تهدید آتش بس ۱۵ روزه را تا هر وقت لازم باشد، به امر واقع تبدیل کرده است.

اما مستقل از معضل دولت آمریکا و چگونگی پایان جنگی که قلدرمنشانه در مقام ارباب خودخوانده جهان تحمیل کرد و عواقب مخرب آن بر دوش مردم ایران و منطقه افتاد، آتش بس کنونی، اپوزیسیون بورژوازی طرفدار حمله نظامی و حامیان جنگ را، وارد دوره ای از سرخوردگی، ناامیدی و استیصال و شکست کرده است. اپوزیسیونی که همه سیاست و برنامه خود را به این جنگ گره زد و همه تخم مرغهای خود را در سبد اسرائیل و آمریکا گذاشت. اپوزیسیونی که در این دوره بخشی از آنها عملاً و رسماً در این جنگ و زیر رهبری ارتش و دستگاه امنیتی اسرائیل و آمریکا شرکت داشتند و بخش دیگر رسماً مبلغ پروپاگاندا جنگی اسرائیل-آمریکا به نام تلاش برای "سرنگونی" جمهوری اسلامی بودند. با اعلام آتش بس ۱۵ روزه و تمدید آن، این بخش از اپوزیسیون که خواهان ادامه جنگ و بمباران هستند، احساس شکست و حتی بخشا اینکه آمریکا به آنها خیانت کرده را دارند.

سران و رهبران اپوزیسیون طرفدار ادامه جنگ این روزها کلاً حال خوشی ندارند و میکوشند ضمن بیان اعتراض خود به آتش بس، با سیلی صورت خود را سرخ کنند و با تکرار وعده های همیشگی، به نیروهایشان روحیه دهند. اجازه بدهید به نگاهی از زبان بعضی از شخصتها و رهبران این اپوزیسیون بپردازیم.

رضا پهلوی که در تمام این سالها و خصوصاً در این دوره ادعا میکرد که در میان سپاه و ارتش و نیروهای حکومتی دهها هزار نیرو دارد و در دیماه مردم را به جنگ آخر با جمهوری اسلامی دعوت کرد و شاهد کشتار خونین آن بودیم، کسی که با شروع بمباران ایران، هواداران و فعالینش رقص و پایکوبی میکردند، سرخورده به انتقاد از آتش بس پرداخته است. ایشان به کرات تأکید کرده است که راه پایان جنگ سرنگونی جمهوری اسلامی است و در حقیقت طرفدار دو آتشه ادامه جنگ تا "سرنگونی" مد نظرش است. پایان جنگ در گرو سرنگونی جمهوری اسلامی است و لذا جنگ، جنگ تا سرنگونی، زبان مشترک این اپوزیسیون در دفاع از ادامه جنگ است. رضا پهلوی در کنفرانسی خبری در برلین به تاریخ سوم اردیبهشت (۲۳ آوریل) ضمن انتقاد از آتش بس میگوید:

توافق بر این فرض استوار است که رفتار حکومت ایران تغییر خواهد کرد و "شما قرار است با افرادی طرف شوید که ناگهان عمل گرا شده اند... من چنین چیزی را نمی بینم. فکر میکنم دیپلماسی به اندازه کافی فرصت داشته است."

رضا پهلوی قبلاً نیز در پیامی به تاریخ ۱۹ فروردین خطاب به مردم ایران، سرخوردگی خود را به زبان مردم ایران بیان کرد. او در این پیام گفت، میدانم خبر آتش بس دو هفته ای میان جمهوری اسلامی با آمریکا و اسرائیل بسیاری را دلسرد کرده است. لازم به ذکر است که رضا پهلوی همزمان دولتهای اروپایی را به دلیل بی عملی در این دوره و در حقیقت در جنگ (بخوان همراهی

نکردن در جنگ با اسرائیل و آمریکا) مورد انتقاد قرار داد. مریم رجویی در سخنرانی اخیر خود در پارلمان اروپا به تاریخ دوم اردیبهشت و به علاوه در پیامهای دیگرش نیز بعد از آتش بس تأکید دارند که پایان تروریسم و اقی و جنگ، تنها با سرنگونی جمهوری اسلامی ممکن است و در حقیقت ایشان نیز دفاع از حمله نظامی و شراکت جریانش را با تلاش برای سرنگونی توجیه میکنند. مریم رجویی میکوشد خدمات جریانش و همکاری با اسرائیل-آمریکا و سازمانهای امنیتی آنها در جنگ را دستمایه ای برای برسمیت شناختن مجاهدین و شورای مقاومتش به عنوان آلترناتیو اصلی جمهوری اسلامی به جای رضا پهلوی برسمیت بشناسند. خانم رجویی میگوید:

«در قیام دیماه، کانونهای شورشی(مجاهدین) در گسترش قیام و سمت دادن به آن نقش مهمی داشتند. آنها در دفاع از نظاره کنندگان بی سلاح با ۶۳۰ تهاجم به مراکز سپاه و بسیج و سایر نهادهای رژیم به مقابله با سرکوب وحشیانه پرداختند. مجاهدین در چهارم اسفند، ۱۴۰۴ چند روز قبل از جنگ اخیر، با ۲۵۰ رزمنده، مقر خامنه ای و سایر مراکز حکومتی،...مورد تهاجم قرار داده و حدود ۱۰۰ تن از آنها شهید و دستگیر شده اند»

مریم رجوی در انتهای سخنان خود درخواست میکند، «دولت موقت اعلام شده توسط شورای ملی مقاومت را به رسمیت بشناسند».

مستقل از درجه صحت و سقم آماري که مریم رجویی در مورد نقش مجاهد در به قول او «قیام» دیماه ارائه میدهد، نیروهای مجاهد در حملات به مراکز حکومتی در دل اعتراضات مردم، نقش داشتند. اعتراضات دیماه توسط موساد و نیروهای در اختیارش و نیابتی های اسرائیل از جمله مجاهد، جریان رضا پهلوی و... قرار بود خونین شود و بیشترین تلفات انسانی از جمله از مردم را به همراه داشته باشد. مجاهد و پهلوی و هواداران جنگ به نسبت های مختلف و هر کدام به میزان امکانی که داشتند در پیشبرد پروژه و نقشه موساد و خونین کردن اعتراضات و تبدیل اعتراض مردم به جنگ خیابانی و تحمیل آن به مردم شرکت کردند. هدف متقاعد کردن دولت ترامپ برای حمله نظامی و بمباران ایران بود. همین حقیقت به جمهوری اسلامی امکان و فرجه ای داد تا به نام مقابله با موساد و اسرائیل و... مردم را وسیعاً در خیابانها کشتار کند. لذا رضا پهلوی و مجاهد و همپالگی های آنها به رهبری موساد، در شکل دادن به این جنایت سهیم بودند. رجویی به پاس خدمات خود، از دولتهای غربی میخواهد «دولت موقت» آنها را به رسمیت بشناسند.

«پارت آزادی کردستان»(پاک) بعد از آتش بس آمریکا و ایران و ادامه حملات جمهوری و بمباران اردوگاههای این جریان و بقیه نیروهای طرفدار جنگ، طی اطلاعیه ای در دوم فروردین ناراضیتهای خود را از آتش بس دولت آمریکا چنین بیان میکند:

«منصفانه نیست و نباید چنین باشد که ایالات متحده آمریکا در زمان جنگ و عملیات علیه تروریسم، کورد و پیشمرگ را دوست و شریک خود بداند و رئیس جمهور ترامپ نسبت به آنها ابراز محبت و اعلام حمایت کند، و اما در زمان آتش بس، در مقابل حملات موشکی و بهبادی تهران و گروههای عراق تحت فرمان آن علیه آنان، صرفاً نظاره گر باشد».

این جریان در جریان اعتراضات دیما و اقدامات موساد مبنی بر حضورش در خیابانها، همراه مجاهد و اعلام مبارزه مسلحانه «کانونهای شورشی اش، مدعی بود واحدها نظامی آنها در شهرهای ایران حضور دارند. پاک در طول جنگ نیز همراه ۵ جریان ناسیونالیست کرد، (حزب دمکرات و دو سازمان زحمتکشان عبدالله مهتدی و رضا کعبی همراه با پژاک و خبات) قرار بود بعد از بمباران فرشی کردستان توسط آمریکا و اسرائیل، نقش پیاده نظام ارتش آمریکا-اسرائیل را ایفا و وارد کردستان شوند. این جریانات معترضند که در دوره آتش بس هنوز اردوگاههای آنها توسط جمهوری اسلامی بمباران میشود. اما هر آدم باشعوری میدانند که این نیروها برای اسرائیل و آمریکا، ابزارند. توقع گروه «پاک» و بقیه از ترامپ که امنیت آنها را تأمین کند، و به علاوه جمهوری اسلامی نیز آنها را به حال خود بگذارد، واقعاً مایه تعجب است. شما قرار بود به جای سرباز آمریکا و اسرائیل، برای آنها بچنگید و آنها تقبل کردند در ازای آن هم خرجتان را بدهند و هم تسلیحاتتان کنند... ادامه در صفحه بعد

اما و مستقل از ماهیت ارتجاعی این جریانات، مستقل از سیاست ضد انسانی آنها در این جنگ علیه مردم ایران، باید در نظر داشت که همه آنها کل امید و آرزوهای خود و پرچم و افق خود را به این جنگ و پیروزی اسرائیل و امریکا و تبدیل ایران به ویرانه، گذاشتند. امروز که جنگ به نتیجه مطلوب نرسیده، امریکا آتش بس کرده، اینها مالباخته شده اند و هر چه ریسته اند پنبه شده است. در نتیجه احساس شکست این اپوزیسیون واقعی است.

اما این جنگ بر خلاف ادعای ترامپ و نتانیاهو و اپوزیسیون هوادار جنگ، بیشترین لطمات را به مردم ایران زد. این جنگ پروسه سرنگونی را عقب راند و مردم ایران را در مقابل جمهوری اسلامی در موقعیت ضعیفی قرار داد. مستقل از ویرانی بخشی از زیر ساختها از مراکز تحصیلی تا بیمارستان و مراکز صنعتی و تولیدی، ۴ میلیون انسان آواره شده اند. جنگ، اعتراضات کارگری و توده ای به جمهوری اسلامی را به حاشیه برد. در نتیجه این جنگ، خوشبینی و اعتماد به نفس و اتحاد و اعتراض پایین علیه جمهوری اسلامی به حاشیه رفت. اعتصابات وسیع و قدرتمند کارگری که جمهوری اسلامی را با تنگناهای جدی روبرو کرده بود، جای خود را به بیکاری ها و اخراج کارگران و تعدیل نیروی کار داد. گرانی و فقر و گرسنگی را به بهانه جنگ به مردم تحمیل کردند. تحمیل میلیتاریسم و فضای پادگانی به نام جنگ و مقابله با مוסاد و سیا و عواملشان در ایران، گسترش یافت. دستگیری ها و اعدام وسیع زندانیان با ادعای همکاری با اسرائیل، گسترش یافت و گارد جامعه در مقابل آن به دلیل نقش مخرب اسرائیل و نفرت از جنگ و حمله به ایران، شکسته شد. تأثیرات مخرب این جنگ بر مردم منطقه و حتی جهان مشهود است. طبق آمار سازمان بهداشت جهانی، از نتایج این جنگ، افزایش ۳۰ میلیون انسان به گرسنگان جهان است. این جنگ دست جمهوری اسلامی را در معرض به زندگی مردم ایران، امنیت آنها، زندگی و معیشت آنها، دسترسی آنها به جهان، باز کرد. این جنگ جنبش سرنگونی طلبی انقلابی، جنبش برابری طلبانه و آزادیخواهانه مردم ایران را علیه جمهوری اسلامی تضعیف کرد.

ناکامی امریکا در این جنگ به عنوان بزرگترین قدرت نظامی جهان، همراه با اسرائیل، جمهوری اسلامی را به عنوان پیروزمند به جهان معرفی کرد. این پدیده سرمایه بسیار بزرگی برای جمهوری اسلامی در خدمت تحکیم موقعیت خود در مقابل طبقه کارگر، زنان و نسل جوان و اقلیت محرم جامعه است. ناسیونالیسم و وطن پرستی و ایران پرستی حول جمهوری اسلامی گسترش یافت و این لطمه ای جدی به جنبش برابری طلبانه در ایران است. جمهوری اسلامی از این پیروزی، به عنوان سکوی پرشی برای خفه کردن جامعه، خفه کردن کارگر و زن و جوان معترض، پس گرفتن دستاوردهای آنها، شکست اعتماد به نفس و حق طلبی آنها، استفاده خواهد کرد و به سرنگونی مورد نظر این مردم بزرگترین لطمه زد.

اینها را این اپوزیسیون میداند. اینها را هر انسان شرافتمندی در جامعه ایران میداند و با گوشت و استخوان لمس میکند. اما درد این مردم، رنج آنها، امید و آرزوهای آنها، برای این اپوزیسیون به اندازه ترامپ و نتانیاهو، مسئله است. این اپوزیسیون جامعه و مدنیت و دفاع از حق انسان، عدالت و رفاه و امنیت، امرش نیست.

این اپوزیسیون با زبان بی زبانی اعلام میکند که چه میخواهد دو چه نميخواهد و با رفاه عمومی با جمعه، با آزادی مردم ایران، با عدالت و قدرت گیری پایین در مقابل حاکمی به اندازه خود جمهوری اسلامی متنفر است. اپوزیسیونی که قصابان مردم فلسطین را می ستایند مستقل از هر ادعایی که خود دارند از جنس آنها هستند. نقش مخرب آنها در این دوره را باید قاب کرد و بر گردنشان آویزان کرد. شناخت از این اپوزیسیون و درک ماهیت واقعی آنها، طرد و منزوی کردن آنها، یکی از شروط پیشروی جنبش انقلابی و آزادیخواهانه در ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برای جامعه ای انسان و برابر است.

زنده باد انقلاب کارگری!

این رابطه تا زمانی موجود است که سرباز جنگی آنها باشید و با پایان این وظیفه مرخص خواهید شد و لذا معامله پایان یافته است و اجرش را هم گرفته اید.

عبدالله مهتدی نیز بعد از آتش بس، چه در پارلمان اروپا و چه در مصاحبه ای میگوید: «خلق این جنگ جمهوری اسلامی است چون از ۴۷ سال پیش به امریکا جنگ میفرود شد و میخواهد اسرائیل را نابود و امریکا را از منطقه بیرون کند».

مهتدی اما در مورد خود آتش بس و پایان جنگ سکوت کرده است. این در شرایطی است که ایشان مدافع فعال حمله نظامی و کسی بود که خواهان استفاده از بمب اتم بود.

جناب چپ اپوزیسیون طرفدار ادامه جنگ، حمید تقوایی و حزبش است. حمید تقوایی در این مدت در مورد فواید این جنگ برای «سرنگونی»، زیاد گفته است. تقوایی در مصاحبه با تلویزیون حزبشان، «بعد از آتش بس دو هفته ای»، میگوید:

«بازنده اصلی این جنگ جمهوری اسلامی است و در این تردیدی نیست، ... بدون سرنگونی جمهوری اسلامی این یا آن جنگ مقطعی ممکن است به هر نتیجه ای برسد، ولی جنگ و فضای جنگ همچنان زنده خواهد بود».

حمید تقوایی هم مثل بقیه خواهان ادامه جنگ تا سرنگونی اند. تقوایی در این برنامه و در مجموعه ای از نوشته ها و اظهار نظر های مختلف خود، جمهوری اسلامی را در نتیجه این جنگ در ضعیف ترین موقعیت خود میبیند و حتی میگوید مشکل مردم ایران حمله به زیر ساختها نیست و سرنگونی جمهوری اسلامی اصل است. نا گفته نماند که رضا پهلوی نیز در آخرین مصاحبه خود با فاکس نیوز میگوید، امریکا باید کار را تمام کند و زیر ساختهای جمهوری اسلامی را بزند.

این دوره و بعد از اذعان رؤسای دولتهای غربی و حتی بخشی از روسای امریکا، روسای قبلی سازمان سیا و مוסاد، به ناکامی در این جنگ و به علاوه موج اعتراضات جهانی علیه جنگ و با خواست قطع فوری و بی قید و شرط جنگ، موجی از پشیمانی در میان هواداران جنگ و حمله نظامی راه افتاد. به نظر میرسد اپوزیسیون جنگ طلب ایران و از جمله طیفی که اشاره شد، خوداگاهتر از همه پای حمایت از جنگ و حتی شراکت در آن رفته است. این اپوزیسیون از راست تا چپ، خواهان ادامه جنگ هستند و برای بیان آن فرمولی مشترک دارند و آنهم «سرنگونی» جمهوری اسلامی است. به نام خواست سرنگونی و «کمک» به سرنگونی، پروپاگاندا جنگی و ضد انسانی خود را پیش میبرند.

نکته مشهود دیگر در بیانات کل این صف، تضعیف جمهوری اسلامی و نزدیکی آن به سرنگونی به عنوان میوه جنگ است. نتانیاهو هم همین را میگوید و به همین دلیل میکوشد ترامپ و تیم همراهش را برای از سر گیری حمله نظامی و ادامه بمباران ایران، متقاعد کند. در حقیقت امروز شعار و خواست این اپوزیسیون را نتانیاهو و جناح راست هیئت حاکمه اسرائیل نمایندگی میکنند.

این اپوزیسیون با اتکا به ضرباتی که جمهوری اسلامی خورده است، از جمله کشته شدن طیفی از رهبران سیاسی و نظامی آنها، بر ضرورت ادامه جنگ تا پایان کار و به قول خودشان سرنگونی جمهوری اسلامی میکوبند. در این تصویر البته لطماتی که طرف مقابل، امریکا و اسرائیل خورده اند، حذف میشود. بعلاوه کل این صف عامل جنگ را جمهوری اسلامی میدانند. انگار واقعاً ایران و نیروهای نیابتی او هستند که با بمباران شهرهای اسرائیل و امریکا، این جنگ را تحمیل کرده اند.

بعلاوه این صف عواقب مخرب این جنگ جنایتکارانه را برای مردم ایران، زیر عنوان نزدیکی سرنگونی و فروپاشی جمهوری اسلامی و با تکرار سخنان ترامپ و نتانیاهو، نادیده میگیرند. آنها حتی برای حفظ ظاهر هم شده، کلمه ای از تخریب جامعه و شهرها، زیر ساختها، کشتار و آوارگی ها و فقر و گرسنگی در اثر این جنگ و هزار معضل دیگر را به عنوان خسارات جنگ، به حساب نمی آورند.

می‌دهد؛ زیرا آن‌ها باید میان نقش‌های متعدد و گاه متضاد، تعادل برقرار کنند. نقش‌هایی که دیگر نمی‌توان آن‌ها را صرفاً در چارچوب‌های سنتی تعریف کرد.

زنان، در مواجهه با بیکاری همسران و نیازهای روزافزون خانواده، به مدیران اصلی بقا تبدیل می‌شوند. آن‌ها باید با منابع محدود، زندگی را اداره کنند. نیازهای کودکان را پاسخ دهند، و همزمان از نظر عاطفی و روانی ستون خانواده باقی بمانند. این مسئولیت چندلایه، در شرایطی که خود نیز تحت فشار شدید روانی هستند، به نوعی «کار نامرئی» تبدیل می‌شود که کمتر دیده و کمتر قدرانی می‌شود.

در چنین شرایطی، کودکان نیز به‌عنوان قربانیان خاموش، در فضایی از ناامنی، اضطراب و کمبود رشد می‌کنند. آینده‌ای که باید با ثبات و امید شکل بگیرد، در سایه بحران‌های اقتصادی و اجتماعی تیره و نامطمئن می‌شود. و باز این مادران هستند که تلاش می‌کنند این چرخه آسیب را متوقف کنند. با وجود آن‌که خودشان در حال فرسایش‌اند.

و بسیاری از زنان، خود نیز به‌طور مستقیم درگیر بحران بیکاری هستند یا برای جبران آن، وارد فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی و ناپایدار می‌شوند. این وضعیت، نه‌تنها امنیت اقتصادی آن‌ها را تهدید می‌کند، بلکه آن‌ها را در معرض استثمار و فشارهای مضاعف قرار می‌دهد.

بیکاری در شرایط جنگی، تنها یک شاخص اقتصادی نیست؛ بلکه نشانه‌ای از یک بحران عمیق‌تر است که بنیان‌های خانواده و جامعه را تهدید می‌کند. در این میان، زنان در خط مقدم خاموش این بحران ایستاده‌اند، نه فقط برای بقا، بلکه برای حفظ کرامت، امید و آینده.

آن‌ها در دل این فشارها، زندگی را بازسازی می‌کنند، حتی زمانی که همه‌چیز در حال فروپاشی است.

دولت مهم ترین ابزار طبقه

حاکمه برای تحت انقیاد

نگاهداشتن توده های تحت

استثمار است.

از منظر ایلنا، ارگان مرکزی طبقه حاکم سرمایه «جنگ بد است و صلح خوب است» همه آن چیزی است که در دایره دخالت و توان و اختیار کارگران قرار داده میشود. وسیع ترین امکانات بحث و تبادل نظر و دخالت برای شخصیت های طبقه حاکم کسانی که خود را با نظرات منحصر بفرد خویش میشناسند و میشناسانند در شبکه های مختلف ارتباط جمعی به حرکت در آمده است. همزمان ایلنا از «وامصیبتا» فراتر میروید؛ و این انتخاب آگاهانه کارگران آن جامعه نیست. این وضعیت ربطی به کارگر و آگاهی و دخالت آنها در دفاع از منافع روزمره و منافع طبقاتی کارگران ندارد. جنگ و سرنوشت جنگ بسیار فراتر از جبهه و توپ و توپخانه و انفجار و کشتار فجیع جمعیت بیدفاع، مهر طبقات و دخالت آگاهی توده مردم و دخالت آنها را بر خود دارد. در جنگ امروز بورژوازی حاکم با تکیه به قوانینی با همان سادگی و قطعیت قوانین فیزیکی، بخود اجازه میدهد فرزندان کارگران را به جبهه برد و جان آنها را در مسیر منافع مستقیم خود به بازی بگیرد و ایلنا وادین را به دعا و التماس صلح و آموزش دعوت میکند. ایلنا کارگران را به شمارش همان مرغ و تخم مرغ سبد کالاها، وعده های فاقد تضمین کالابرج دعوت میکند. شرایط مشابه در تنگنای معیشت به بهانه های دیگر جز جنگ چندان ناآشنا بنظر نمیرسد.

در یک ورق زدن ساده از میان مندرجات صفحه کارگری جراید یومیه و از جمله ایلنا از فرط افکار و ایده های مشعشع که در ناسیونالیسم آشکار و پنهان و یا در صوفی گری در دایره قضا و قدر الهی؛ در یک کلام کارگران به تسلیم دعوت میشوند، خشکشان میزند. این در حالی است که بخش های مهمی از کارفرمایان همین امروز به رونق بی‌زینس چشم دوخته اند و صابون به شکم میمالند. البته جنگ بد است، اما بدتر از آن جنگی است که بد هدایت شود و مشخصا بد به پایان برسد. جنگ بد است اما بدتر آن جنگی است که با ارتش ضعیف و ناتوان یک فاجعه را دامن بزند، آن جنگی است که با ناآمدگی نظامی یک فرماندهی فاسد به قتل عام فرزندان مردم زحمتکش منجر شود و بترین جنگ آن است که توده کارگر و زحمتکش در خانه و کارخانه در ناآمدگی کامل، بدون امکان پناه و مقاومت و بدون امکان فرار به گوشت دم توپ تبدیل شوند.

فراتر از بقا؛

زنان، معماران پایداری در دل جنگ

شهلا رضایی

بیکاری پیش از این نیز یکی از معضلات جدی در میان جوانان و طبقات فرودست جامعه بود، اما در شرایط جنگی، این بحران به شکلی بی‌سابقه تشدید می‌شود. جنگ دیگر تنها یک درگیری نظامی نیست؛ بلکه به عاملی تبدیل می‌شود که ریشه‌های اقتصادی جامعه را هدف قرار می‌دهد و زندگی میلیون‌ها نفر را به‌طور مستقیم تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در چنین شرایطی، بیکاری دیگر یک مسئله فردی نیست، بلکه به یک بحران اجتماعی گسترده تبدیل می‌شود. بحرانی که بیشترین فشار آن بر دوش کارگران، زحمتکشان، زنان و اقشار آسیب‌پذیر جامعه سنگینی می‌کند. از دست رفتن فرصت‌های شغلی، کاهش شدید درآمدها و افزایش هزینه‌های زندگی، خانواده‌ها را در وضعیت شکننده‌ای قرار می‌دهد که هر لحظه امکان فروپاشی آن وجود دارد.

آمارها و نشانه‌ها از افزایش سریع تقاضای کار و کاهش فرصت‌های شغلی حکایت دارند؛ وضعیتی که نشان می‌دهد بحران بیکاری در حال گسترش است و می‌تواند پیامدهای عمیق‌تری برای جامعه به همراه داشته باشد. اما آنچه در پس این اعداد پنهان است، واقعیت تلخ زندگی انسان‌هایی است که ناگهان منبع درآمد خود را از دست داده‌اند و با آینده‌ای نامعلوم روبه‌رو هستند.

در این میان، خانواده به‌عنوان نخستین نهاد اجتماعی، بیشترین آسیب را متحمل می‌شود. فشار اقتصادی، به‌سرعت به فشار روانی تبدیل می‌شود؛ روابط عاطفی تضعیف می‌شوند و تنش‌ها افزایش می‌یابد. در این میان، مردان با از دست دادن نقش سنتی «تأمین‌کننده»، ممکن است با احساس ناکارآمدی و فشار روانی روبه‌رو شوند. اما این نگاه که تأمین اقتصادی صرفاً بر عهده مردان است، دیگر با واقعیت امروز هم‌خوانی ندارد. زنان نیز سال‌هاست پا به پای مردان کار کرده‌اند و در بسیاری از موارد، سهم مهمی در تأمین معیشت خانواده داشته‌اند.

با این حال، بحران بیکاری و فشارهای اقتصادی، زنان را در موقعیتی پیچیده‌تر قرار می‌دهد؛ چرا که آن‌ها از یک سو با چالش‌های اقتصادی و حتی از دست دادن فرصت‌های شغلی مواجه‌اند، و از سوی دیگر، همچنان مسئولیت‌های گسترده‌ی درون خانه، از مراقبت از کودکان تا مدیریت عاطفی خانواده را بر دوش دارند.

این هم‌زمانی فشارهای بیرونی و درونی، زنان را در معرض فرسایش بیشتری قرار

برگ زرین تازه ای در...

بنا به شواهد بسیار، محلات کارگر نشین بخاطر صرف همجواری با مراکز تولیدی، زحمتکشان ساکن را مکرراً در معرض آسیب های تازه بر تأمین آب و برق قرار داده است. هر یک از حقایق را حتما باید از زاویه زندگی دشوار کارگر جامعه و دشواری بیشتر در جبران آنها باید دید، اما هیچ چیز از ریاکاری فرصت طلبانه یک تعزیه چرخانی خانه کارگر در شرح پر سوز و گداز از قلعه حسن خان یا سفره فقیر خانواده کارگران ساختمانی کم نمیکند.

این ایلنا است، سازمان کار، بزرگترین حزب رسمی، حزب آزاد، علنی، مجاز و فعال متناسب به طبقه کارگر و با تنها وظیفه اساسی دال بر تهدید و تضمین بردگی طبقاتی کارگران در ایران. در سر تا سر مندرجات و مواضع و در شرح رویدادها جز مصیبت و جز تسلیم و بی‌نوازی آنهم در زخم‌تترین شکل تحقیر توهین آمیز نمیتوان سراغ گرفت. نتیجه چیز دیگری نمیتواند باشد؛ سکون و انتظار است که در چشم میزند.

در میان صفوف بورژوازی، همزمان در سطح ادارات، دولت و پارلمان غوغا است. همانقدر که از گوشه کنار در اسناد و اخبار میتوان سراغ گرفت در یک بلبشو و هرج و مرج بی سابقه در دل همارنها بطور تعطیل ناپذیری از کف ساکن مراکز تولیدی و از سکوت بانکها و بورس؛ بدون وقفه ثروت و منابع و منافع کارفرمایان مورد بحث و چاره جویی است. در فقدان یک سر سوزن شرم و خویشتن داری در مقابل فاجعه جنگ از هر ریال که از گلوی خانواده کارگری بتوان برید، از هزار و یک بهانه مسخره در تعویق پرداختی بیمه ها و مستمری و کالاها نبوغ خیانت پیشه بورژوازی تعطیلی نمیشناسد. تنها در تعویق بخشنامه مزد سال ۱۴۰۵ یک ماه دستمزد کارگران به جیب زده شد. بیمه بیکاری کارگران بازپچه مقررات من درآوردی، نه از طرف ارتش مهاجم بلکه با ابتکار مشترک وزیر کار و خانه محترم کارگر از آب درآمد. اخراج جمع وسیع کارگران جنگ را به نعمت الهی برای تصفیه کارکنان نامطلوب برای نقش فعال مایشاء کارفرما تبدیل ساخته است... و همه میدانند که این تازه اول راه است.

Long Live May Day

May Day, International Workers' Day, is upon us. This is the day when we once again reaffirm our resolve to rid humanity of all the miseries of the ruling capitalist system and to fight for a society worthy of human beings.

After 136 years since the first May Day, despite all the advances in technology, even the 40-hour working week is still not implemented everywhere. Working life is continuously being extended, child labour is rife, and millions continue to die from hunger, treatable diseases, and destitution.

While our class produces all the wealth in society, our share has diminished proportionally, and the gap between the haves and have-nots has reached unprecedented levels. Average wages, even in the most advanced countries, have declined in real terms over the past two decades. With the ever-growing cost of living, large sections of global society are unable to afford even the most basic necessities.

In addition, there are more wars raging today than ever before, as ruling classes position themselves in a multipolar world, with growing militarisation and ever-expanding war machines, in pursuit of greater "spheres of influence" and higher profits. The genocidal wars, taking place across the world, are ones we are not only forced to pay for but in which we are also the primary victims.

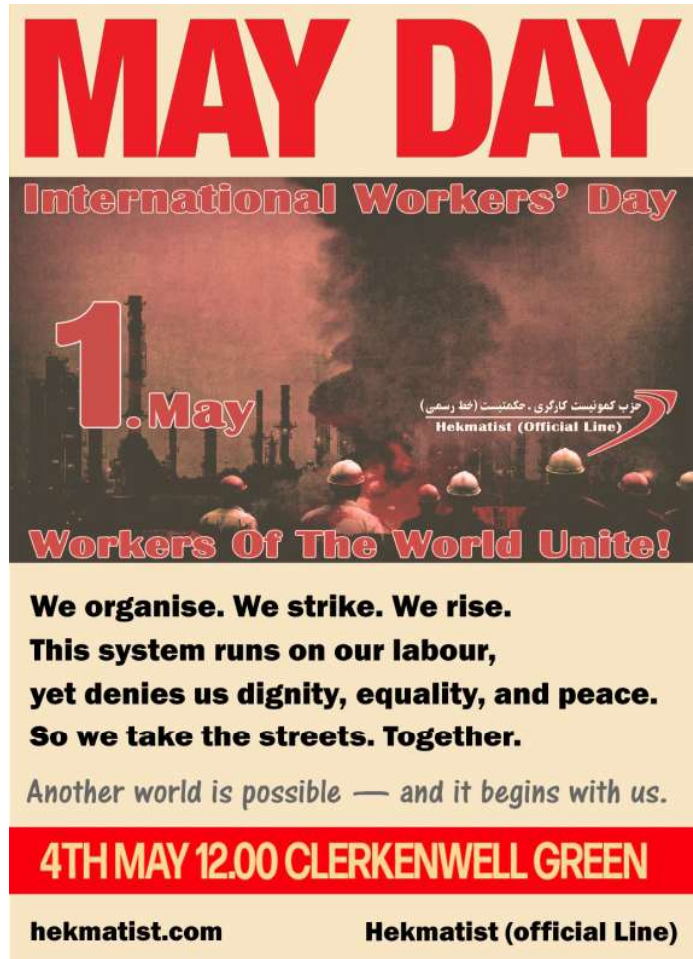
In Iran, we are now bearing the brunt of one such war. A war that the US and Israel have escalated once again in recent months, with aerial bombardments that have killed thousands and destroyed hospitals, schools, residential homes, and workplaces, even while we were working in them. A war that has worsened the already severe cost-of-living crisis, massive unemployment, and the lack of safety and security across the country. A war that the Islamic Republic is also using to suppress our movement for equality and freedom.

On this May Day, workers in Iran stand in solidarity with workers around the world, proclaiming that this is a war imposed on us by ruling classes to further divide us. This is not our war, and we demand its immediate and unconditional end.

On May Day, we celebrate our solidarity with workers across the globe and reaffirm our commitment to stand united as an international class against a parasitic capitalist system that survives only because we remain divided. This is our day, the day we celebrate the strength of our united class and our solidarity in a worldwide struggle in which we have nothing to lose but our chains.

Workers of the world, unite!
Long live international solidarity!

Hekmatist Party (Official Line) – Organisation Abroad
1 May 2026



MAY DAY
International Workers' Day

1. May

حزب کمونیست کارگری، حکمتیت (خط رسمی)
Hekmatist (Official Line)

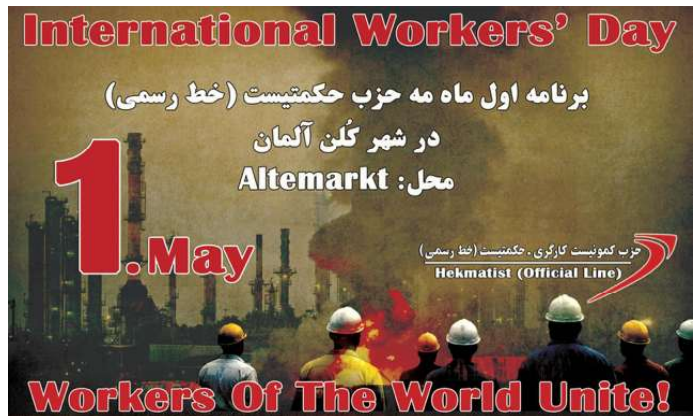
Workers Of The World Unite!

We organise. We strike. We rise.
This system runs on our labour,
yet denies us dignity, equality, and peace.
So we take the streets. Together.

Another world is possible — and it begins with us.

4TH MAY 12.00 CLERKENWELL GREEN

hekmatist.com Hekmatist (official Line)




International Workers' Day

برنامه اول ماه مه حزب حکمتیت (خط رسمی)
در شهر کلن آلمان
محل: Altemarkt

1. May

حزب کمونیست کارگری، حکمتیت (خط رسمی)
Hekmatist (Official Line)

Workers Of The World Unite!



International Workers' Day

روز جهانی کارگرد در شهر گوتنبرگ
جمعه اول ماه مه ساعت 14:00
تجمع در Andra långgatan

1. May

حزب کمونیست کارگری، حکمتیت (خط رسمی)
Hekmatist (Official Line)

Workers Of The World Unite!

نينا را در شبکه‌های اجتماعی زیر دنبال کنید:

سایت نينا
radioneena.com
ساوند کلود
soundcloud.com/radio-neena
اینستاگرام
instagram.com/radioneena
تلگرام
https://t.me/RadioNeenna
فیسبوک
facebook.com/radioneena

hekmatist.com

تماس با حزب



@Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

khaled.hajmohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

دفتر کردستان حزب: محمد راستی

mohammed.raasti@gmail.com

حکمتیست هفتگی

سر دبیر: فواد عبداللهی

برابری

برابری، یعنی نه فقط برابری حقوقی و قانونی، نه فقط برابری شهروندان جامعه از هر قوم و نژاد و جنسیت، بلکه برابری در امکانات مادی در دسترسی به ابزاری های ارتقا و شکفتن استعداد های فردی و اجتماعی، برابری در تولید و در زیست، برابری در اعمال اراده در سرنوشت اقتصادی، سیاسی و اداری جامعه خود، برابری در بهره مندی از محصولات مادی و معنوی کار و تلاش اجتماعی و برابری در مبارزه برای فائق آمدن بر هر عقب ماندگی و کمبود، برابری که تنها با در هم کوبیدن مالکیت خصوصی بورژوازی بر وسایل تولید و مبادله، از میان بردن بردگی مزدی و قرار دادن وسایل تولید و ثروت جامعه در مالکیت جمعی و اشتراکی کلیه انسان های سهم در فعالیت اجتماعی حاصل میشود.

